

گزارش « سومین » دورهمی قرآنی در مسجد سیدالشهداء صلوات الله علیه:

(از ساعت ۲۰،۱۵ تا ۲۱،۱۵ - شنبه: ۲۱ مرداد ماه ۱۴۰۲)

پرسش اول: چرا « هر روز عاشوراء » است؟

دلیل اول: « انسان » با داشتن « بهترین مقومها » میان « اعلیٰ علیین » و « اسفل سافلین » قرار دارد. لذا یا عاقلانه به « ایمان و عمل صالح » می‌رسد و در « جبهه حق »، « زیبایی » می‌آفریند، و یا جاهلانه اسیر « نفسانیت » شده و از « انسانیت » سقوط می‌کند و در « جبهه باطل » به « شرارت، رذالت، دنائت، خباثت، جنایت و خیانت » می‌پردازد:

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (۴) ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (۵) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ... (تین/۶)

دلیل دوم: « انسان » در « دنیا » در معرض « بازی و غفلت و ظاهرینی و مقایسه کردن و فزون طلبی » قرار دارد: اَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ ... وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ (حدید/۲۰)

بازی یعنی چه؟ « هر چیزی »، « سه جنبه: ۱- عنوان، ۲- ماهیت، ۳- خاصیت » دارد. مثلاً: « آب » عنوانی است برای « مایعی » که « تشنگی » را برطرف می‌کند. یا: « قرآن » نام « کتابی » است برای « هدایت و سعادت انسان ».

« توقف » در « دو جنبه اول هر چیزی »، « بازی » است. پس با « حلوا حلوا گفتن » و با « حلوا پختن » هیچ دهانی « شیرین » و تا آب « خورده » نشود « تشنگی » برطرف نمی‌شود و تا به قرآن عمل نشود انسان به هدایت نمی‌رسد.

هر که با « نماز و دین و سیاست و زندگی »، « بازی » کند قطعاً از « آخرت » خود غافل می‌ماند و در « جبهه باطل » و در « سپاه فراعنه و یزیدیان و ابن‌زبایدها و عمرسعداها » قرار می‌گیرد و به « شرارت و رذالت و جنایت » می‌پردازد.

دلیل سوم: « انسان » تنها مخلوقی است که « دو چشم » و « دو نگاه » دارد: أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ؟ (بلد/۸)

نگاه اول: يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ (روم/۷)

نگاه دوم: كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ (۵) لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ (تکاثر/۶)

اگر « انسان » مثل « حیوان »، « ظاهربین » شود، « خوشبختی » خود را در « ثروت، قدرت، شهوت، شهرت و رفاه » جستجو می‌کند و برای « رسیدن به حکومت ری »، « هر جنایت و خیانت و رذالت و شرارتی » را از خود بروز می‌دهد.

اما اگر انسان « عاقلانه » از « واقعیتها » صرفنظر کند و « مؤمنانه » با چشم دومش « حقیقت‌بین » شود و خود را در محضر « خدا » ببیند، « مرتکب هیچ تخلفی » نمی‌شود. لذا جناب هابیل به قابیل گفت: اگر برای کشتن من دست خود را دراز کنی من برای کشتن تو دستم را دراز نمی‌کنم زیرا از آن « معبودی که زمامدار جهانیان » است می‌ترسم:

لَئِن بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (مائده/۲۸)

پس به « ۳ دلیل فوق »، « انسان » با « هر گفتار و رفتار عاقلانه یا جاهلانه خود » در « دو جبهه حق یا باطل » و در « سپاه حسین یا یزید » زمان خود قرار می‌گیرد که یا خود را فدای همه می‌کند یا همه را فدای خود می‌کند.

پرسش دوم: مقصد قیام حضرت امام حسین صلوات الله علیه چه بود؟

طبق « اولین تشهد » زیارت اربعین، « قیام » آنحضرت برای « رهائی مردم از جهالت و سرگردانی در گمراهی » بود:

اللَّهُمَّ أَنْتَ: ۱- أَشْهَدُ أَنَّهُ وَ لِيُك...، لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ

پس تا زمانی که « اکثریت مردم » از « خواب غفلت »، « بیدار و عاقل و بالغ و به حق، هدایت نشوند » با « تغییر رهبران و دولت‌ها و مسئولین »، « مشکلات جوامع بشری » هرگز برطرف نمی‌شوند.